

معرفی کتاب

امپراتوری دوران جنگ ژاپن (۱۹۳۱-۱۹۴۵)*

عملکرد امپریالیزم ژاپن طی جنگ جهانی دوم از جمله مسائلی است که امروزه نیز اهمیت خود را از دست نداده است، زیرا آن پیشینه، در عمل، مانع حضور فعال سیاسی ژاپن در منطقه بزرگ شرق آسیا شده است. از این رو، تا زمانی که ژاپن نتواند با گذشته تلخ خود در استثمار مردم چین، کره و کشورهای جنوب شرقی آسیا کنار آید، نمی‌تواند به‌طور فعال به خانواده بزرگ شرق آسیا بپیوندد و نقش مورد نظر خود را، که همانا ایفای نقش قدرت بزرگ همپای چین است، در منطقه برعهده گیرد.

سالهای دهه ۱۹۳۰ و دهه ۱۹۴۰ سالهای مبارزه ارتشها و نیروهای دریایی کشورهای آسیا با یکدیگر بود؛ سالهای نظامی‌گری ژاپن که طی آن، این کشور جزیره‌ای بر بخشهای مهمی از چین (مناطق شرقی و جنوبی)، تایوان (تداوم اشغال از اواخر قرن ۱۹)، کره (از سال ۱۹۱۰)، کشورهای جنوب شرقی آسیا به استثنای تایلند (هر چند تایلند نیز در عمل کارگزار ژاپن در منطقه جنوب شرقی آسیا بود) سلطه یافت. داستانهای واقعی درباره جنایات ژاپن در منطقه، از جمله به بردگی کشاندن زنان کره‌ای و ... هنوز در اذهان مردم شرق آسیا زنده است. از این رو، هر حرکت ژاپن خاطره تلخ مربوط به نظامی‌گری آن کشور را تداعی می‌کند. ژاپن راهی ندارد جز آنکه با تاریخ از در آشتی در آید و به گذشته تلخ خود اعتراف کند. در کتاب بسیار مفید و خواندنی *امپراتوری دوران جنگ ژاپن، ۱۹۳۱ - ۴۵* سه نویسنده متخصص در امور تاریخی و سیاسی منطقه

* Peter Duus, Ramon H. Myers, and Mark R. Peatie, *The Japanese Wartime Empire, 1931-1945* (Princeton: Princeton University Press, 1996)

به شرح آنچه در حوزه امپراتوری ژاپن در چین، کره و کشورهای نه‌گانه جنوب شرقی آسیا (به استثنای تایلند) در دوره مورد نظر رخ داده می‌پردازند. کتاب حاضر جلد سوم مطالعات تاریخی امپریالیزم ژاپن توسط نویسندگان فوق است و به بررسی موشکافانه مواردی از قبیل توسعه اقتصادی در کره (برخی بر این عقیده هستند که کره جنوبی برای توسعه سریع اقتصادی خود مدیون ژاپن و اشغال کره به وسیله ژاپن است، زیرا بنیان اقتصاد کره طی سالهای اشغال، ۱۹۴۵ - ۱۹۱۰، پایه‌ریزی شد)، سیاست مهاجرت اجباری ژاپن در برخی از کشورها (کوچ دادن افراد از منطقه‌ای به منطقه دیگر و حتی از کشور به کشور دیگر همراه با ناملایمتهای اجتماعی حاصل از آن)، ارتباط با نخبگان محلی در کشورهای تحت اشغال (مثل احمد سوکارنو، محمد هاتا در اندونزی)، شبیه‌سازی مردم تحت حاکمیت امپراتوری ژاپن و حتی تشکیل بلوک ین^۱ می‌پردازد. گرچه کتاب مزبور در صدد دفاع از امپریالیزم ژاپن نیست، اما می‌کوشد - و تا حدی موفق نیز شده است - که برداشتهای کاملاً منفی در خصوص اشغال ژاپن را بزداید. نویسندگان کتاب معتقدند که موفقیت شبیه به معجزه کره جنوبی صرفاً از مغز ژنرال پارک چونگ هی^۲ تراوش نکرده، بلکه نتیجه پیشرفتهایی است که آغاز آن به جنگ جهانی اول برمی‌گردد؛ هر چند در دهه ۱۹۳۰ به شکوفایی و در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به برداشت محصول رسید.

مطالعه این کتاب برای علاقمندان مسائل معاصر شرق آسیا بسیار مفید است، زیرا پرده از برخی برداشتهای غلط برمی‌دارد و خواننده را با وقایع معاصر شرق آسیا و عوامل مهمی که در موفقیت کشورهای منطقه مؤثر بوده (عواملی که صرفاً و منحصرأً نتیجه کار امپریالیزم ژاپن نبوده است) آشنا می‌کند و وی را در شناخت برخی حقایق بازگو نشده و انطباق آنها با ادعاهای مخالف طرح شده در سایر کتب و سرانجام دستیابی به سنتزی در مورد شرق آسیای معاصر یاری می‌رساند. خواندن این کتاب به شرق‌شناسان (متخصصان و دانشجویان مسائل شرق آسیا) توصیه می‌شود.

دکتر بهزاد شاهنده دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران